

باز کاوی ابهام‌زایی از اندیشه عدم وجود تناقض در بیان قرآن با تأکید بر کتاب "القرآن و الکتاب"

هادی رزاقی هریکنده‌ئی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

چکیده

مستشرقان غربی و قرآن‌پژوهان مسیحی، چون به مشاهدۀ تناقض‌های فراوان در عهدین و کتاب‌های مقدّس خود عادت کرده‌اند، بر اساس همان عادت، انتظار وجود تناقض‌های فراوان در کتاب آسمانی مسلمانان داشتند. نویسندۀ کتاب القرآن و الکتاب تحت تأثیر مبانی و اندیشه‌های مستشرقین؛ در جهت تشکیک اعتقادات مهم مؤمنین بر آمده و بر وجود تناقض در بیان قرآن تأکید نموده است. یوسف حداد نویسندۀ کتاب؛ به خیال خود خواسته تا با ایجاد شبهات و تناقضاتی در آیات قرآن؛ جلوی پیشرفت روز افزون آن را بگیرند. از باب نمونه ایشان به این تناقض در کتابش اشاره داشته که قرآن در آیه‌ای از سؤال نمودن بندگان در روز قیامت سخن به میان آورده است در حالیکه همین قرآن در آیه‌ای دیگر از عدم سؤال و پرسش در روز قیامت سخن می‌گوید و این خود نوعی تناقض آشکار در بیان قرآن است. این مقاله که از روش توصیفی و تحلیلی بهره برده؛ بر آن است تا در این پژوهش بیان نماید اولاً: هر انسان متفکر وقتی به آیات قرآن می‌نگرد همه آیات آن را هماهنگ و خالی از هر گونه تضاد، تناقض دانسته و ثانیاً: علت این دیدگاه از طرف ایشان در نگاه ابتدائی به سبب تحلیل سطحی در محتویات آیات و در نظر نگرفتن مبانی و قواعد صحیح در تفسیر قرآن است که دچار توهم تناقض شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، ابهام، تناقضات، القرآن و الکتاب، مستشرقان، یوسف حداد.

مقدمه

مسلمانان معتقدند که آئین اسلام، برترین و کامل‌ترین آئین الهی است که در قالب یک کتاب توسط پیامبر خاتم(ص) به عنوان معجزه الهی برای هدایت بشر آورده شده و تاکنون از هر گونه تحریف و دستبرد در امان مانده است. کتابی که هیچ بشری حتی شخص پیامبر اسلام(ص) در معارف آن اعمال سلیقه نکرده است و همین امر، سبب شده تا این کتاب آسمانی از وجود اختلاف، تناقض، کجی و اباطیل در امان بماند. باید توجه داشت که مغرضان و کسانی هستند که می‌خواهند برتری اسلام و قرآن را انکار کنند یکی از ترفندهای آنان برای رسیدن به این هدف، ایجاد تشکیک در اعجاز قرآن است. آنها ادعای وجود اختلاف و تناقض در قرآن را، برای رسیدن به همین هدف - یعنی انکار اعجاز قرآن - مطرح می‌کنند. علاوه براین، در جهت انکار اعجاز قرآن، شبهات دیگری - مثل: نبوغ پیامبر(ص)، اخذ قرآن از کتب یهود و مسیحیت، تأثیرپذیری قرآن از فرهنگ زمانه و محیط اطراف، و مساله تجربه دینی - را نیز مطرح کرده‌اند که قرآن‌پژوهان به بررسی، نقد و رد آنها پرداخته‌اند. مستشرقان غربی و قرآن‌پژوهان مسیحی، چون به مشاهده تناقض‌های فراوان در عهدین و کتاب‌های مقدس خود عادت کرده‌اند، بر اساس همان عادت، انتظار وجود تناقض‌های فراوان را در کتاب آسمانی مسلمانان داشته و لذا به جستجو برای یافتن موارد آن در قرآن کریم پرداخته‌اند. به طور مثال صادقی تهرانی در این باره نوشته است: «یارکر دانشمند مسیحی گفته است: پروتستان‌ها می‌گویند که معجزات ازلی، عهدین را از تهاجم تحریفات پنهان حفظ کرده است، اما اختلاف عبارت‌های فراوان آن که حدود سی هزار مورد باشد، همچنان مشهود است. (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۸). ویل دورانت نیز در این باره می‌نویسد: «واضح است که میان یک انجیل با دیگر اناجیل، تناقض‌های فراوانی وجود دارد» وی ضعف حافظه نویسندگان اناجیل و اصلاح‌های ناسخان آن را، یکی از دلایل این امر می‌داند (دورانت، ۱۳۴۱، ج ۲: ۶۵۵ و فروم، ۱۳۷۷: ۱۶). کری ولف پس از برشمردن تعارض و تناقض‌های اناجیل با یکدیگر می‌نویسد: «معلوم نیست که چگونه می‌توان حقیقت را از میان این کلاف سردرگم تناقضات پیدا کرد» (ولف، ۱۳۵۸: ۲۶). آرمسترانگ مسیحیت را همواره دینی دارای تناقض می‌خواند و تناقض آشکار «تثلیث» را با «تک‌دباوری» یکی از تعارضات آشکار مسیحیت می‌داند (آرمسترانگ، ۱۳۸۲: ۱۳۵).

از این رو، برخی از مستشرقان از جمله یوسف حداد با عناد و غرض‌ورزی، به سراغ قرآن رفته تا با اثبات وجود تناقض و تعارض، در مقام معارضه و مقابله با آن برآیند، چنان که خداوند می‌فرماید: «وَجَعَلُوا بَيْنَهُمَا وَاسْطِيقَظَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا...» و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در

حالی که در دل به آن یقین داشتند» (التمل / ۱۴). حالا سؤال این است آیا طبق بیان آقای یوسف حدّاد تناقضات در آیات قرآن قابل اثبات است؟ در جواب ایشان باید عرضه داشت: اولاً: از بیان آیات قرآن آشکار می‌گردد که آن وحی الهی است و پیامبر اسلام (ص) نقشی جز ابلاغ نداشته است "ما عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ...". «پیامبر وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام (الهی) ندارد.» (مائده/ ۹۹) لذا همین مطلب سبب شده تا در قرآن هیچ گونه اختلاف و تناقضی راه نیابد و کتابی باشد عاری از هرگونه باطل و کجی. ثانیاً: خداوند متعال خود نیز به این ویژگی قرآن یعنی عدم تناقض و تعارض اشاره کرده و می‌فرماید: "قُرْآنًا غَرِيبًا غَيْرَ ذِي...". «قرآنی است فصیح و خالی از هرگونه کجی و نادرستی.» (زمر/ ۲۸) همچنین در سوره فصلت می‌فرماید: "لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ قُرْآنًا...". «هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید.» (فصلت/ ۴۲) این در حالی است که اگر قرآن توسط بشر آورده می‌شد، عاری از اختلاف و تناقض نبود. چون انسان‌ها در طول زندگی در حال تکامل فکری هستند و افکارشان در معرض تغییر و تبدیل است. مگر امکان دارد افکار شخصی در طول بیش از ۲۰ سال دچار تغییر و تحوّل نگردد. و سخنان او در طی این سالها عاری از اشتباه و تناقض باشد. بنابراین ما هنگامی که در قرآن تدبّر می‌کنیم و آیات آن را عاری از اختلاف و تناقض می‌یابیم همین نشان از این است که قرآن وحی الهی می‌باشد.

ثالثاً: گاهی توهم تناقض، در اثر نفهمیدن معنای واقعی آیه است. به طور مثال در عصر امام حسن عسکری (ع) یعقوب بن اسحاق کندی که فیلسوف عراق به شمار می‌رفت، تصمیم گرفت کتابی درباره تناقض‌های قرآن بنویسد. از این جهت دست به این کار زد و در منزل خود دور از هر نوع غوغا بر این کار همت گماشت. روزی یکی از شاگردان او بر امام حسن عسکری (ع) وارد شد، حضرت رو به آن شاگرد کرد و چنین گفت: آیا در میان شما یک انسان شجاع و آگاهی نیست که استاد خود را از تصمیمی که گرفته است باز دارد. او تصمیم گرفته است اختلافات قرآن را در کتابی گرد آورد. شاگرد: ما از شاگردان او هستیم و هرگز بر ما میسر نیست که به استاد چنین اعتراضی کنیم. امام عسکری (ع): «آیا آماده‌ای آنچه که به تو می‌گویم به او برسانی؟ شاگرد: بله! امام: «رو از در دوستی و نرمش در سخن، وارد شو، و به او چنین بگو: به نظرم سؤالی رسیده که باید او را با شما در میان بگذارم. آیا این احتمال وجود ندارد آورنده این کتاب که شما الآن در صدد گردآوری تناقضات آن هستید بیاید و به شما بگوید که مراد من از این آیات غیر از آن است که تو فهمیده‌ای. در این موقع کندی به شما خواهد گفت: این احتمال وجود دارد زیرا او (کندی) مرد فهمیده‌ای است. هرگاه به چنین احتمالی پی برد و پذیرفت که ممکن است میان آنچه که از قرآن فهمیده و

آنچه مقصود آورنده آن است، اختلاف باشد به او بگو تو چه می‌دانی او (آورنده قرآن) غیر آنچه را که تو برگزیده‌ای اراده کرده است.» شاگرد کندی این پیام را به ذهن خود سپرد به همان روشی که امام به وی آموخته بود، با استاد سخن گفت و وقتی سخنش به پایان رسید، کندی گفت: بار دیگر سخت را تکرار کن، او بار دیگر سخنانش را تکرار کرد؛ استاد به اندیشیدن در آن سخن فرو رفت. ولی ناگهان رو به شاگرد خود کرد و گفت: تو را سوگند می‌دهم این سخن از کیست؟ او در پاسخ گفت: این سخن بر قلبم وارد شده خواستم تو را از آن آگاه سازم. کندی در پاسخ گفت: این سخن شبیه سخن تو نیست و هرگز به این سخن، تو و امثال تو پی نمی‌برند، طراح واقعی آن را به من معرفی کن، شاگرد یادآور شد که این پیام از امام عسکری (ع) است و من مامور بودم آن را به شما برسانم. در این موقع فیلسوف عراق کمی اندیشید، گفت: این سخن فقط شایسته این بیت رفیع است، آنگاه آتشی خواست و آنچه را نوشته بود طعمه حریق ساخت (این شهر آشوب، ۱۴۱۲ ق، ج ۴، ص ۴۲۴).

پیشینه پژوهش

قابل ذکر است هر چند در خصوص پاسخگویی به شبهات وارده در خصوص قرآن تألیفاتی از جمله کتاب پاسخ به شبهات قرآنی توسط حضرت آیه الله معرفت و کتاب پاسخ به شبهات دکتر رضائی اصفهانی به رشته تحریر در آمده است. همچنین مقالاتی در خصوص عدم تناقض در قرآن نوشته شده است از جمله: مقاله‌ای با عنوان "نقد و بررسی نظریه برخی از مستشرقان در باب تناقض در آیات قرآن کریم" توسط علی رضا حیدری نوشته شده که به صورت کلی به عدم تناقض در قرآن اشاره شده است. مقاله دیگری با عنوان "خاستگاه، سیر تاریخی و روشهای عالمان مسلمان در اثبات آن" توسط مهرداد عباسی و مرضیه دیانی نوشته شده است که در خصوص سیر تاریخی می‌باشد. لذا این پژوهش؛ در خصوص ارائه چارچوبی مناسب و مختصر بر اساس نظم منطقی و ساماندهی شده و تسریع در جهت دسترسی مخاطبان به ارائه پاسخگویی به شبهه وارده توسط یوسف حداد به وجود تناقضات در قرآن بیان شده است. لذا تحقیق انجام گرفته می‌تواند پاسخگوی برخی از دغدغه‌های فراوان انسانها در دستیابی به پاسخی صحیح و درست باشد تا بر اساس آن مخاطبان به نگرش جامع و کامل رهنمون گردند.

۱. مفهوم‌شناسی تناقض

۱-۱. تناقض در لغت و اصطلاح

تناقض مصدر باب تفاعل، از ریشه نقض است و در لغت به معنای «به هم خوردن پیوستگی

ساختمان، گِره و ریسمان و محکم نکردن» است: «نَقَضْتُ الْبِنَاءَ وَ الْحَبْلَ وَ الْعِقْدَ؛ یعنی بنا، طناب و گِره را باز کردم» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ذیل مادهٔ نقض؛ طریحی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۲۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق، ص ۲۶۶ و فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۵۰). در اصطلاح نیز عبارت است از: «اختلاف دو قضیه، به طوری که خودبه‌خود از صدق هر یک از آن دو، کذب دیگری لازم آید و همچنین به عکس؛ یعنی از کذب هر یک، صدق دیگری لازم آید» (تفتازانی، ۱۴۰۹ق: ۲۱۸)

۲. بازکاوی ابهام‌زائی از اندیشه عدم وجود تناقض در بیان قرآن با تأکید بر کتاب "القرآن و الکتاب" یوسف حداد

۲-۱. بررسی شبهه تناقض پرسش و عدم پرسش در قیامت

قابل ذکر است با وجود درخشش انوار معارف عالی و آموزه‌های حکیمانه و فطری قرآن کریم که مورد استقبال پژوهش‌گران قرار می‌گرفت مستشرقان و اربابان کلیساها را که هر روز شاهد گسسته بودن تارهای تنیده خرافات عهدین بودند بر آن داشت که با ایجاد شبهه و ابهام در مورد آیات شریفه جلوی آن را بگیرند. از جمله آن مستشرقان می‌توان به یوسف حداد نام برد که شبهات زیادی را در این خصوص مطرح نمود که ما به یک مورد از آنها در ادامه خواهیم پرداخت. یوسف حداد از مدعیان وجود در ادامه تناقض گوئی پیرامون آیات قرآن کریم در کنایش چنین ادعا نموده و می‌نویسد: در بسیاری از آیات قرآن کریم تناقضاتی دیده می‌شود و این مطلب چگونه با حکمت خداوند سازگار است؟ به طور مثال یک جا می‌فرماید: «وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات/۲۴) «باید متوقف گردند و به سؤالات مختلف پاسخ گویند» و در جای دیگر می‌گوید: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن/۳۹) «در آن روز هیچ کس از انس و جن از گناهش پرسش نمی‌شود»، لذا با این وجود قرآن نمی‌تواند قابل اعتماد باشد. (یوسف حداد، ۱۹۸۲م: ج ۲، ص ۶۷۳)

۲-۲. پاسخ به کتاب "القرآن و الکتاب" یوسف حداد به اصل وجود تناقض در آیات قرآن

در خصوص پرسش اول ایشان؛ یعنی اعتقاد به وجود اختلاف و تناقضات در بسیاری از آیات قرآن کریم بیان می‌داریم که این مطلب در حدّ یک توهم است زیرا:
اولاً: اعتقاد به وجود اختلاف و تناقضات در بسیاری از آیات قرآن کریم از طرف مستشرقان به سبب در نظر نگرفتن مبانی و قواعد صحیح در تفسیر آیات قرآن و شرایط تناقض است. بنابراین، چون آنها تصوّر درستی از تعریف تناقض ندارند، هر آیه‌ای را که با آیه دیگر به نوعی متفاوت باشد،

مصادق تناقض دانسته‌اند، در حالی که ممکن است رابطه دو آیه از نوع عام و خاص یا مطلق و مقید باشد و تنها در صورتی می‌توان ادعا کرد که میان دو آیه تناقض وجود دارد که اختلاف آن دو به گونه‌ای باشد که همواره از صدق هر یک کذب دیگری و از کذب هر یک صدق دیگری لازم آید. لذا باید گفت عموم شبهات آنها در این باب مبتنی بر شواهد علمی و متقنی نیست. (رازی، ۱۳۶۲: ۱۱۸ و مظفر، ۱۴۰۰: ۱۶۷)

ثانیا: هر انسان متفکر وقتی به آیات قرآن می‌نگرد می‌بیند همه آیات آن هماهنگ و خالی از هرگونه تضاد، تناقض و ناموزونی است و يك نظم و هماهنگی ویژه در آیات آن حاکم است و به طور یقین می‌توان استدلال کرد که این کتاب زائیده افکار انسان‌ها نیست بلکه از ناحیه خداوند متعال است؛ زیرا آراء و افکار انسان با گذشت زمان دگرگون شده، تغییر و تضاد و ناهماهنگی در آن بوجود می‌آید و این یکی از روش‌های شناخت کلام خداوند از کلام ما انسان‌هاست. (طباطبائی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۶۸-۶۹) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگر نزول قرآن توسط بشر بود مسلماً عاری از اختلاف و تناقض نبود، زیرا انسان‌ها در طول حیات مدام در حال تکامل فکری بوده و افکارشان در معرض تغییر و تبدیل است. لذا با توجه به این مقدمات حال اگر انسانی که در خلال بیست و سه سال از عمر پرتلاطم خود و شرایط متنوع، گفته‌هایش هم از لحاظ اسلوب و نظم و هم از نظر معارف و محتوا جامع، یکسان و هماهنگ باشد می‌توان نتیجه گرفت که چنین کلامی، کلام الهی بوده و معجزه است. (بلاغی نجفی، بی‌تا: ۴۲ و ۴۳)

ثالثا: یکی از عوامل پندار اختلاف و تناقض در قرآن، عدم آشنایی افراد با مفاهیم و علوم قرآنی است افرادی که با دیدن ظواهر برخی از آیات (عام و خاص، ناسخ و منسوخ و آیات محکم و متشابه) رأی به وجود تناقض در قرآن داده در حالی که این نوع اختلاف ظاهری به سلامت قرآن خدشه‌ای وارد نمی‌کند. لذا با توجه به این که قرآن، کلام خداوند حکیم است و حکیم هم بر تمام علوم و گفته‌های خود احاطه‌ی کامل داشته و هیچ گونه تغییر و دگرگونی در اندیشه او حاصل نمی‌شود پس عاری از هر گونه اختلاف و تناقض است. آیاتی که بر هماهنگی و عدم اختلاف در قرآن دلالت دارند دو گونه‌اند: گونه اول، آیاتی هستند به صراحت از عدم اختلاف در قرآن سخن می‌گویند و گونه دوم، آیاتی هستند که گرچه تصریح به عدم اختلاف ندارند، ولی از اوصافی سخن به میان می‌آورند و یا از ارتباط و تناسب آیات قرآن با یکدیگر سخن می‌گویند که ملازم با هماهنگی و عدم اختلاف در آن است.

تنها آیه‌ای که با صراحت از عدم اختلاف در قرآن سخن می‌گوید، آیه ۸۲ سوره نساء، است

خداوند می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ... چرا در معانی قرآن تدبّر نمی‌کنند؟ در حالی که اگر این قرآن، از طرف غیر خدا بود قطعاً اختلاف‌های بسیاری در آن می‌یافتند.» آیه شریفه با همزه استفهام انکاری آغاز می‌شود و با حرف فا فعل لایتدبّرون را بر فعلی که در تقدیر است عطف می‌کند. خداوند متعال با این آیه، اعراض‌کنندگان از قرآن مانند منافقان و کافران را توبیخ و سرزنش می‌کند که چرا از قرآن اعراض می‌کنند و یا شک و تردید می‌کنند. چرا درباره حقانیت قرآن مجید مطالعه و دقت نمی‌کنند تا به این نتیجه برسند که قرآن از نزد خداست. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۹۹-۲۰۲)

آیه شریفه برای اثبات الهی بودن قرآن، ملازمه‌ای میان غیرخدایی (بشری) بودن قرآن و راه یافتن اختلاف فراوان در آن برقرار نموده است و برای بیان این ملازمه، از کلمه لو که از ادات شرط است استفاده نموده و فرموده است: وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا. از آنجاکه جمله شرطیه با واژه لو برای بیان امتناع شرط به خاطر امتناع جزا کاربرد دارد (ابن هشام، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۵۵)، می‌توان فهمید که چون جزا (یافتن اختلاف فراوان در قرآن) منتفی است، شرط (از ناحیه غیر الله - بشر - بودن قرآن) نیز منتفی است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۸، ص ۱۰۱؛ خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۵۳۲)

در میان روایات معصومان (ع)، روایات فراوانی حاکی از هماهنگی و عدم اختلاف میان آیات قرآن و نیز پاسخ به آیات موهم تناقض وجود دارد.

الف) در روایتی از پیامبر اکرم (ص) که در مذمت و نهی از اختلاف و مشاجره در آیات قرآن و نفی اختلاف از دامان آن وارد شده، آمده است: آن حضرت وقتی شنیدند جماعتی درباره قرآن به ستیز و مشاجره لفظی می‌پردازند، در نهی آنان از این کار فرمودند: همانا مردمان قبل از شما به سبب چنین کاری (اختلاف در کتاب الهی) هلاک شدند؛ بعضی آیات کتاب خدا را به بعضی آیات دیگر زدند، قرآن نازل شد تا بعضی از آن بعضی دیگر را تصدیق کند. پس برخی از آیات آن را با برخی دیگر تکذیب نکنید. پس آنچه از قرآن می‌دانید بگویید و آنچه را نمی‌دانید به عالم آن واگذارید (مجلسی، ۱۳۷۶ق، ج ۳۰، ص ۵۱۲) در این روایت، یکی از ویژگی‌های قرآن، تصدیق‌کنندگی برخی آیات نسبت به برخی دیگر بیان شده است و اینکه آیات را نباید به گونه‌ای معنا کرد که از آن تناقض و تعارض آیات نتیجه شود و این مطلب عین نفی اختلاف و تناقض از دامان آیات قرآن است. در احادیث ائمه معصومین (ع) نیز به عدم اختلاف و باطل و کجی در قرآن اشاره شده که ما به دو مورد اشاره می‌کنیم. در روایت اول از حضرت علی (ع) نقل شده است که فرمود: «علیکم بکتاب

اللَّهُ! فَإِنَّهُ الْحَبْلُ الْمَتِينُ... لَا يَعْوجُّ فِيقَامَ، وَ لَا يَزِيغُ فِيسْتَعْتَبَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶) «بر شما باد به کتاب خدا، که آن ریسمان محکم است ... کج نمی‌شود تا آن را راست کنند، و از حق انحراف حاصل نمی‌کند تا از آن بخواهند که به حق باز گردد» همچنین مرحوم طبرسی در احتجاج روایتی را از اصبع بن نباته نقل نموده است که امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) بر منبر کوفه پس از حمد و ثنای الهی فرمود: «ای مردم! از من پیروید زیرا در اطراف و جوانب من علم بسیار است... . شخصی گفت: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَجَدْتُ كِتَابَ اللَّهِ يَنْقُضُ بَعْضُهُ بَعْضًا: ای امیرالمؤمنین، من بعضی آیات قرآن را ناقض هم یافته‌ام». امام (ع) فرمود: «كِتَابُ اللَّهِ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا وَ لَا يَنْقُضُ بَعْضُهُ بَعْضًا» آیات کتاب خدا همه اش تصدیق‌کننده هم است، نه ناقض و ردکننده هم!». هر چه به خاطر می‌آید بپرس! گفت: ای امیرالمؤمنین، خداوند درآیه‌ای می‌فرماید: «بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ»، و در جای دیگری فرمود: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» و در جای دیگر: «قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ»؟! حضرت فرمود: مادرت در عزایت باد! ای ابن کواء! این مشرق است، این هم مغرب، و اما آیه «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» به تحقیق که مشرق زمستان بر حدی و مشرق تابستان نیز بر حدی است، آیا این را از دوری و نزدیکی شمس در نمی‌یابی؟ و اما آیه: «بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ» آن سبب و شصت برج دارد، هر روز در برجی حاضر و از برجی دیگر غایب می‌شود، و فقط در سال دیگر در همان روز به همان برج باز می‌گردد. (طبرسی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ص ۵۸۱)

۳-۲. پاسخ به "القرآن و الكتاب" یوسف حذاد به وجود تناقض در آیات مطرح شده

همانطوری که در خصوص شبهه وجود تناقض در آیات مطرح شد قابل ذکر است که صرف‌نظر از انگیزه‌های ستیزه‌جویانه مستشرقان در به وجود آمدن توهم اختلاف، علتی که باعث شده است عده‌ای با قصد یا بدون قصد، گمان یا اعتقاد پیدا کنند که در آیات قرآن کریم اختلاف و تناقض وجود دارد، در نظر نگرفتن مبانی و قواعد صحیح در تفسیر آیات قرآن است، در حالی که فهم و تفسیر قرآن نیازمند اتخاذ مبانی و قواعد مبتنی بر بدیهیات عقلی، قطعیات و مسلمات شرعی و ارتکازات عقلایی است و تنها بر مبنای استحسان و قیاس نمی‌توان به تفسیر آیات پرداخت و تفسیری که بر پایه غلط و بدون در نظر گرفتن مبانی و قواعد صحیح باشد، نتیجه‌ای جز بدفهمی و اختلاف در تفسیر یا توهم تناقض در آیات نخواهد داشت (شراره، ۱۴۱۶ق: ۶۱). قابل ذکر است با ملاحظه آثار خاورشناسانی که در آیات قرآن دچار توهم تناقض شده‌اند، معلوم می‌شود بسیاری از آنان تنها به تحلیل سطحی و ظاهری محتویات قرآن اکتفا کرده‌اند در برخی موارد به تقطیع و

جداسازی آیات از سیاق خود، برای رسیدن به هدف خود دریغ ننموده‌اند و به روش درست تفسیر آیات توجّه نداشته‌اند. لذا با این اوصاف بیان می‌داریم تناقض ظاهری که در آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد با اتخاذ مبانی و قواعد صحیح تفسیری که مبتنی بر بدیهیات عقلی و مسلمّات شرعی باشد برطرف می‌شود. بنابراین این تناقض ظاهری به ذهن مفسّران قرآن نیز رسیده و در کتب تفسیرشان پاسخ‌هایی را در این خصوص مطرح نموده‌اند. به طور مثال اشکال مورد سؤال که گفته شده بود قرآن در یک جا می‌فرماید: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات/ ۲۴) «باید متوقف گردند و به سؤالات مختلف پاسخ گویند» و در جای دیگر می‌گوید: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن/ ۳۹) «در آن روز هیچ کس از انس و جن از گناهش پرسش نمی‌شود» ما در جواب به این پرسش ابتدا دو دسته آیات مورد نظر را بیان نموده و در ادامه به پاسخ آن خواهیم پرداخت.

دردسته اول از ظاهر برخی آیات قرآن کریم چنین برداشت می‌شود که در قیامت از مجرمان در مورد گناهانشان پرسش نمی‌شود، یا به طور کلی اصلاً پرسش و سؤالی در آن جا مطرح نیست و هیچ دوستی از دوست دیگر چیزی نمی‌پرسد و مردمان در آن نشئه با یکدیگر آشنایی ندارند. برخی از این آیات عبارت است از:

در سوره الرحمن آمده است: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (الرحمن/ ۳۹) «در آن روز، هیچ انس و جنی از گناهش پرسیده نشود.» و یا در سوره فصلت این چنین آمده که: «... وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ» (قصص/ ۷۸) «و [لی این‌گونه] مجرمان [نیازی] به پرسیده شدن از گناهانشان نیست.»

در سوره مومنون نیز بیان شده: «فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ» (مومنون/ ۲۳) «پس آن گاه که در صور دمیده شود، [دیگر] آن روز میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند.» از ظاهر این دسته از آیات قرآن کریم چنین برداشت می‌شود که در قیامت از مجرمان در مورد گناهانشان پرسش نمی‌شود.

دسته دیگری از آیات بر وجود سؤال دلالت دارد که مجرمان و گناه‌کاران متوقف می‌شوند و از عمل ایشان سؤال می‌شود. هم چنین انسان‌های مجرم، یا نیکوکار از یکدیگر سؤال می‌کنند و بین آن‌ها آشنایی و گفت و گو است، لذا ما در اینجا به چند مورد اشاره می‌کنیم.

خداوند در آیه ۲۴ سوره صافات می‌فرماید: «وَقِفُّهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ...» و بازداشتشان نمایند که آن‌ها مسؤولند.» همچنین در آیه ۶ سوره اعراف بیان می‌دارد: «فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ

وَلَنَسْأَلَنَّ لِمُزْسَلِينَ. پس، قطعاً از کسانی که [پیامبران] به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید، و قطعاً از [خود] فرستادگان [نیز] خواهیم پرسید.» در ادامه نیز در سوره حجر می‌فرماید: «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ عَمَّا كَانُوا يَعْلَمُونَ» (حجر / ۹۲) «پس سوگند به پروردگارت که از همه‌ی آنان خواهیم پرسید، از آنچه انجام می‌دادند.» قابل ذکر است که ظاهر این دسته از آیات نیز بر وجود سؤال دلالت دارد که مجرمان و گناه‌کاران متوقف می‌شوند و از عمل ایشان سؤال می‌شود. پیرامون موضوع مورد سؤال نیز مصادیق مختلفی را مفسران در تفاسیر از جمله: بدعتها، اعمال زشت و خطاها، توحید و لا اله الا الله، نعمت جوانی و تندرستی و عمر و مال ... بیان کرده‌اند، در روایات معروفی دیگری نیز که از طرق اهل سنت و شیعه نقل شده مصداق سؤال مورد نظر را ولایت امیرالمومنین حضرت علی (ع) دانسته‌اند. روایتی از انس بن مالک از پیغمبر گرامی اسلام (ص) نقل شده که می‌فرماید: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَنُصِبَ الصَّرَاطُ عَلَى جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزِ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ مَعَهُ جَوَازٌ فِيهِ وَلايَةٌ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى «وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» هنگامی که روز قیامت می‌شود و صراط بر روی جهنم نصب می‌گردد هیچکس نمی‌تواند از روی آن عبور کند مگر اینکه جوازی در دست داشته باشد که در آن ولایت علی (ع) باشد، و این همان است که خداوند می‌گوید: وَقَفُّوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ. (بحرانی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۵۹۴، طبرسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰، ص ۴۶۹، حسکانی، ۱۹۷۴، ج ۲، ص ۱۶۰، آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۷۹)

قابل ذکر است همان طور که بیان شد یکی از عوامل پندار اختلاف و تناقض در قرآن، عدم آشنایی افراد با مفاهیم و علوم قرآنی است افرادی که با دیدن ظواهر برخی از آیات رأی به وجود تناقض در قرآن داده در حالی که این نوع اختلاف ظاهری به راحتی از جمله در این دو دسته از آیات قابل حل است. حاصل این دو آیه این می‌شود که گر چه از گناه انس و جن نمی‌پرسند؛ اما رخسار زرد گناهکاران بر مجرم بودن آنها دلالت دارد و همین رخسار زرد است که باعث گرفتن پیشانی و پای آنها به عنوان مجرم توسط ملائکه عذاب می‌شود. علاوه بر این باید دانست که قیامت دارای مواضع متعددی است که در برخی از آنها سوالی پرسیده نمی‌شود و تنها «رنگ رخساره خبر می‌دهد از سر درون» و در بعضی از مواضع، مهر بر دهان انسان زده می‌شود و اعضای بدن به شهادت برمی‌خیزند؛ چنانکه در آیه ۶۵ سوره یس می‌فرماید: «امروز بر دهان آن کافران مهر خاموشی نهیم و دستهایشان با ما سخن گوید و پاهایشان به آنچه انجام می‌دادند گواهی دهد.» و در برخی مواضع دیگر از گناهکاران سوال خواهد شد چنانکه در آیه ۹۲ سوره حجر آمده است: «به پروردگارت سوگند، قطعاً از همه آنان بازخواست می‌کنیم.» بنابراین بین این دو گونه آیات، تنافی

نیست و سوال از کافران به طریقه‌های مختلف (مهر بر دهان زدن، رخسار زرد داشتن، بازخواست کردن) ادامه دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۵۵) بنابراین می‌شود این گونه هم بیان نمود که در بیشتر مواقع شناسائی مجرم به گونه‌ای است که از طریق نگاه به ویژگی‌های چهره آنها انجام می‌پذیرد و فرشتگان الهی با نگاه به سیمای مجرمان آنها را شناسائی نموده و به سمت عذاب سوق می‌دهند و هیچ نیازی به پرسش و جواب از این اشخاص نیست. لذا هیچ تناقض و تضادی بین این آیات وجود ندارد. (زمانی، ۱۳۸۵ ش: ۳۴۶)

آیه الله معرفت نیز در حلّ این دودسته از آیات می‌فرماید: بین دو دسته آیات گرچه در نگاه اول شاید تضاد به نظر برسد، اما در اصل هیچ تضادی میان آنها نیست، چرا هر يك مربوط به یکی از جایگاه‌های قیامت است. چون قیامت یک روز بسیار طولانی است و انسان از مواقف و گذرگاه‌های متعدّدی باید بگذرد و در هر صحنه و موقعی باید مدّتی بایستد، طبق بعضی از روایات این مواقف پنجاه موقف است در بعضی از این مواقف مطلقاً سؤالی نمی‌شود برای این سؤال نمی‌کنند که همه چیز در آن روز - یوم البروز - آشکار است و در چهره انسانها همه چیز خوانده می‌شود. (رنگ رخساره خبر می‌دهد از سرّ درون)، چنان که در آیه پس از «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» و یا آیه: «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ»: (مجرمان از چهره‌هایشان شناخته می‌شوند). و در بعضی از مواقف، مهر بر دهان انسان گذارده می‌شود و اعضای بدن به شهادت برمی‌خیزند. (سوره یس، آیه ۶۵) در بعضی از این مواقف، از انسانها دقیقاً پرسش می‌شود. «وَقَفُّوهُمْ إِنْهُمْ مُسْتَوْلُونَ». و در بعضی دیگر، انسانها به جدال و دفاع و مخاصمه برمی‌خیزند، (نحل / ۱۱۱) بنابراین، در هر صورت بین این آیات تناقضی دیده نمی‌شود. و عدم توجّه به اختلاف در موضوع و مواقف قیامت سبب شده تا چنین توهمی ایجاد شود. (معرفت، ۱۴۲۳ ق: ۲۶۰). برخی دیگر از مفسّرین بیان فرمودند: باید دانست که هیچ تناقض و تضادی بین این آیات وجود ندارد؛ زیرا آیاتی که می‌فرماید در آن روز هیچ فردی از دیگری تقاضای کمک و سؤال نمی‌نماید، اشاره به مراحل نخستین رستاخیز دارد و این به دلیل شدت حیرت و وحشت آن روز است و به جهت همین شدت وحشت و سرگردانی است که انسان‌ها از یکدیگر گریزانند و هم دیگر را نمی‌شناسند. در آن روز انسان‌ها چنان در وحشت فرو می‌روند که از شدت ترس حساب و کیفر الهی از حال یکدیگر به هیچ وجه سؤال نمی‌کنند، اما قرآن کریم آن جا که درباره سؤال پرسش انسان‌ها از یک دیگر سخن می‌گوید: و اقبل بعضهم علی بعض يتسائلون...، این پرسش و گفت و گو بعد از استقرار در بهشت و جهنم است، طبق آیات قرآن بنده‌های خوب خدا غرق انواع نعمت‌های معنوی و مادی بهشت‌اند، و بر تخت‌های بهشتی تکیه

داده و با دوستان خود به راز و نیاز مشغول‌اند، ناگهان بعضی از آنها به فکر گذشته خود و دوستان دنیا می‌افتد، همان دوستانی که راه خود را جدا کردند و جای آنها در جمع بهشتیان خالی است، می‌خواهند بدانند سرنوشت آنها به کجا رسید، لذا بعضی رو به بعضی دیگر کرده سؤال می‌کنند: «فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ج ۱۹ ص ۶۱) لذا با این اوصاف با دقت و تأمل در مضمون آیات فوق پاسخ این تناقض ظاهری روشن خواهد شد؛ زیرا آیات مربوط به اثبات سؤال از یک دیگر بعد از استقرار در بهشت و جهنم و یا در آستانه ورود به آنها است، در حالی که نفی سؤال از یک دیگر مربوط به مراحل نخستین رستاخیز است که هول و اضطراب و وحشت آن قدر آنها را پریشان می‌کند که یکدیگر را به کلی فراموش می‌کنند و یا به عقیده برخی دیگر، سؤال نمودن در قیامت، به معنای درخواست نمودن است، نه سایر گفت و گوها.

نتیجه‌گیری

مستشرقان غربی و قرآن‌پژوهان مسیحی، چون به مشاهده تناقض‌های فراوان در عهدین و کتاب‌های مقدس خود عادت کرده‌اند، بر اساس همان عادت، انتظار وجود تناقض‌های فراوان در کتاب آسمانی مسلمانان داشتند. از جمله آن قرآن‌پژوهان یوسف حداد بود که در کتاب القرآن و الکتاب خود تناقضاتی را مطرح نمود تا به توهم خودش از اعتبار این کتاب مقدس بکاهد. لذا با ملاحظه و مطالعه آثار ایشان صرف‌نظر از انگیزه‌های ستیزه‌جویانه با قرآن و پیامبر (ص) و خاستگاه (یا منشاء) به وجود آمدن توهم اختلاف، علتی که باعث شده است ایشان اعتقاد پیدا کند که در آیات قرآن کریم اختلاف و تناقض وجود دارد، در نظر نگرفتن مبانی و قواعد صحیح در تفسیر آیات قرآن است، در حالی که فهم و تفسیر قرآن نیازمند اتخاذ مبانی و قواعد مبتنی بر بدیهیات عقلی، قطعیات و مسلمات شرعی و ارتکازات عقلایی است و تنها بر مبنای استحسان و قیاس نمی‌توان به تفسیر آیات پرداخت و تفسیری که بر پایه غلط و بدون در نظر گرفتن مبانی و قواعد صحیح باشد، نتیجه‌ای جز بدفهمی و اختلاف در تفسیر یا توهم تناقض در آیات نخواهد داشت از این رو در نظر نگرفتن مبانی و قواعد صحیح در تفسیر آیات قرآن و در نظر نگرفتن شرایط تناقض، از جمله عوامل اصلی ایده آنان است و چون آنان تصوّر درستی از تعریف تناقض ندارند، هر آیه‌ای را که با آیه دیگر به نوعی متفاوت باشد، مصداق تناقض دانسته‌اند، درحالی که زمانی می‌توان ادعا کرد میان دو آیه تناقض وجود دارد که اختلاف آن دو به گونه‌ای باشد که همواره از صدق هر یک، کذب دیگری و از کذب هر یک، صدق دیگری لازم آید.

منابع

- نهج البلاغه، جمع الشریف الرضی، ضبط دکتر صبحی صالح، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷ق.
۱. آرمسترانگ، کرن، (۱۳۸۲ش) خدانشناسی از ابراهیم تاکنون، ترجمه محسن سپهر. تهران: نشر مرکز.
۲. آلوسی، شهاب الدین، سید محمود (۱۴۱۷ق) روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، به کوشش محمد حسین العرب، بیروت، دار الفکر.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۴۱۲ق) المناقب آل ابی طالب، تحقیق یوسف البقاعی، چ دوم، بیروت، دار الاضواء.
۴. ابن فارس، ابی الحسین احمد بن زکریا، (۱۴۰۴ق) المعجم مقاییس الغه، قم، دفتر انتشارات تبلیغات اسلامی.
۵. ابن منظور، (۱۴۰۸ق) لسان العرب، چ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۰۲ق) البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۷. بلاغی نجفی، محمدجواد، (بی تا) تفسیر آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، مکتبه الوجدانی.
۸. تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ق) شرح المقاصد، تحقیق دکتر عبدالرحمن عمیره، قم، انتشارات شریف رضی.
۹. حداد، الارشتمندیت یوسف دره، (۱۹۸۲م) القرآن و الکتاب، بیروت، منشورات المکتبه البولسیه.
۱۰. حسکانی، عبدالله بن عبدالله بن احمد، (۱۹۷۴م) شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. دورانت، ویلیام جیمز، (۱۳۴۱ش) تاریخ تمدن، ترجمه علی اکبر سروش. تهران: اقبال.
۱۲. رازی، حسین بن علی، (۱۳۶۲ش) روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین، (۱۴۱۶ق) مفردات الفاظ القرآن، تحقیق عدنان داوودی، بیروت، دار الشامیه.
۱۴. زمانی، محمد حسن، (۱۳۸۵ش) قرآن و مستشرقین، چ اول، قم، انتشارات بوستان کتاب.
۱۵. زمخشری، جازالله، (بی تا) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۶. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۳۶۳ش) الدر المنثور، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۷. شراره، عبدالجبار، (۱۴۱۶ق) بحوث فی القرآن الکریم، جماعه المدرّسین، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۸. صادقی، محمد، (۱۳۸۸ش) البشارات والمقارنات، نجف اشرف مطبعة الغری.

۱۹. طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۴۸ش) المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد جواد حجتی کرمانی، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۲۰. طبرسی، احمد، (۱۴۱۳ق) الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق ابراهیم بهادری، قم، انتشارات اسوه.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ق) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق محلاتی، قم، انتشارات اسوه.
۲۲. طریحی، فخرالدین، (۱۴۰۸ق) مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، چ دوم، انتشارات مکتب النشر الثقافة الاسلامیه.
۲۳. فراهیدی، خلیل، (۱۴۱۴ق) کتاب العین، تحقیق مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، قم، انتشارات اسوه.
۲۴. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق) /المصباح/ المنیر، ط الثانیه، قم، مؤسسه دار الهجره.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ق) الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، طهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. مظفر، محمد رضا، (۱۴۰۰ق) المنطق، بیروت، انتشارات دار التعارف.
۲۷. معرفت، محمد هادی، (۱۴۲۳ق) شبهات وردود حول القرآن الکریم، قم، موسسه التمهید.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۰ش) تفسیر نمونه، چ چهاردهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۹. حیدری، علیرضا، (۱۳۹۴) نقد و بررسی نظریه مستشرقان، پژوهشهای معارف قرآنی دانشگاه علامه.
۳۰. ولف، کری، (۱۳۵۸ش) درباره مفهوم انجیل ها، ترجمه محمد قاضی، تهران: انتشارات امیرکبیر.